

معنابخشی به سکونت در چارچوب خانواده‌ای بزرگ: پژوهشی کیفی در محیط سکونتگاه‌های خودانگیخته (مورد پژوهی: مرتضی گرد)

سارا احمدی^۱

میترا حبیبی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۳

چکیده

مفهوم سکونت پیچیده و پویاست. از این‌رو نظریات و دیدگاه‌های موجود در زمینه مفهوم سکونت که اغلب در شرایط و ساختارهای سکونتگاه‌های رسمی ارائه شده‌اند، در سایر سکونتگاه‌ها اثربخشی لازم را ندارند. باتوجه به ماهیت ذهنی و تعاملی مفهوم سکونت، تجربه و ادراک آن در ساکنان مختلف می‌تواند با دیدگاه‌های نظری جهانی و متعارف در حوزه سکونت متفاوت باشد. بنابراین و باتوجه به گسترش سکونتگاه‌های خودانگیخته و اهمیت مطالعه و شناخت دقیق آن‌ها، به‌عنوان مبنای هرگونه اقدام در محیط سکونتگاه‌های خودانگیخته، که با ویژگی‌های متفاوت بازشناسی می‌شوند، می‌تواند تأمل‌برانگیز باشد. هدف این پژوهش شناخت ادراک و تجربه ساکنان از سکونت و چگونگی معنا و مفهوم‌بخشی به آن در زمینه سکونتگاه خودانگیخته و مفاهیم مرتبط با آن و با بررسی مورد پژوهی سکونتگاه خودانگیخته مرتضی گرد است. این پژوهش در دسته پارادایم تفسیرگرایی قرار می‌گیرد و از جنبه شناخت‌شناسی، تأکید بر کنش و تعامل پژوهشگر با مورد پژوهش و حداقل فاصله عینی^۱ با مشارکت‌کنندگان پژوهش دارد. در این پژوهش از تحلیل محتوای کیفی استقرایی آشکار^۲ به‌عنوان شیوه پژوهش و به‌منظور تفسیر داده‌های متنی به‌دست آمده از مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته و مشاهده‌های میدانی، استفاده شده است. داده‌ها از طریق فرآیند نظام‌مند کدگذاری و با هدف طبقه‌بندی مفاهیم تا چهار سطح از انتزاع مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. انتخاب مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، هدفمند و در راستای توسعه مفاهیم تا دستیابی به اشباع بوده است. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که در غیاب مالکیت رسمی و امنیت‌تصرف، که از مهم‌ترین عوامل تحقق مولفه‌های معرف مفهوم سکونت هستند، و در شرایط وجود انواع آسیب‌پذیری‌ها، سکنی‌وآرامش مورد تقاضا در سکونت، معنی‌بخشی به آن و دستیابی به مولفه‌های معرف مفهوم سکونت، تنها از رهگذر زندگی در چارچوب خانواده‌ای بزرگ و سامانه‌های حمایتگر قوی مبتنی بر سرمایه‌های اجتماعی‌بالا، احساس تعلق جمعی، همبستگی فضایی و پیشروی آرام باتوسل به قدرت و اندیشه‌ورزی جمعی و مفاهیم مرتبط با هریک برآورده می‌شود که ساکنان از روش‌های مختلف جهت دستیابی به آن‌ها به‌عنوان استراتژی‌های بقای خویش تکاپویی مداوم دارند.

واژگان کلیدی: مفهوم سکونت، خانواده بزرگ، سکونتگاه خودانگیخته، تحلیل محتوا، مرتضی گرد

۱. دکترای شهرسازی - گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران (نویسنده مسئول مکاتبات)
E-mail: sara.ahmadi84@gmail.com

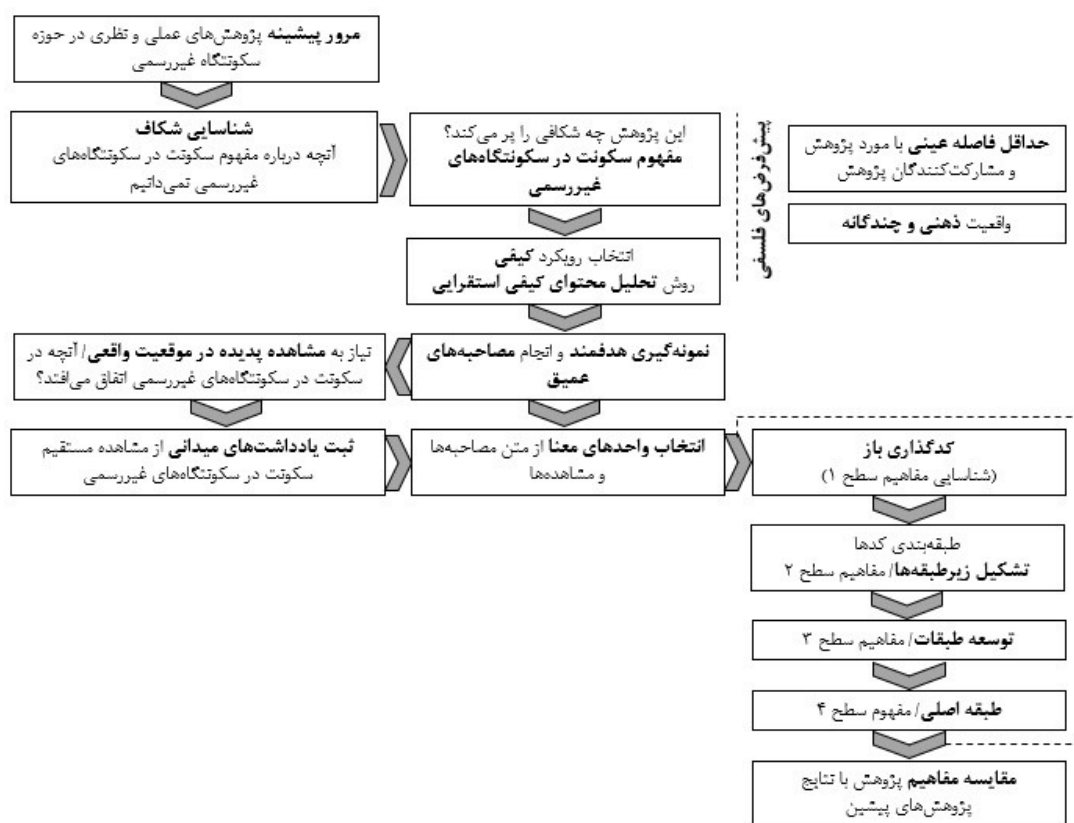
۲. استاد گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران (نویسنده مسئول مکاتبات)
E-mail: habibi@art.ac.ir

سکونت‌گزینی از مهم‌ترین شروط زیستن در این پهنه خاکی است و سکونت داشتن یعنی متعلق بودن به یک مکان حقیقی (شولتز، ۱۳۸۱، ۱۶). سکنی کردن درحقیقت پناه‌آوردن به خود و درک وجود واقعی خود است و از این حیث مسکن پناه‌دهنده انسان است. مسکن، محلی است برای کسب خلوت روزانه به‌منظور بازگشت به خود و ارتباط با خویش (شولتز، ۱۳۸۷، ۴۵). مسکن نهادی است که برای پاسخگویی به مجموعه‌ای پیچیده از اهداف ایجاد می‌شود. هدف اصلی مسکن به‌وجودآوردن محیطی سازگار و منطبق بر روش زندگی انسان است. سکونت دلالت‌های معنایی مختلفی همچون هستن، بودن در آرامش، سکنی، ماندن، اقامت‌گزیدن و ساختن را در خود دارد (Heidegger، ۱۹۷۱، ۱۵۶). اساساً خانه ما را به «درون» می‌آورد (شولتز، ۱۳۸۱).

خانه مکان بودن و مرکز عالم است (شولتز، ۱۳۸۲). در مرکز بودن مفهومی انتزاعی است و خانه در مرکز ذهنی انسان قرار می‌گیرد. براین اساس، خانه مکانی برای تبدیل زندگی بیرونی به کیفیتی درونی است (شولتز، ۱۳۸۷، ۴۵). بنابراین، به درون خانه رفتن معادل به درون خویش پناه‌بردن می‌گردد. «هنگام پای‌نهادن به خانه به آسایش دست‌می‌یابیم» (شولتز، ۱۳۸۱، ۱۴۴). خانه، سکونتگاهی فردی شده است و به‌نظر می‌رسد که معنای این شخصی‌سازی ظریف، ورای تصور ما از معماری است (Pallasma، ۲۰۱۱، ۵۶). بنابراین، زمانی که فرد به میزان قابل‌توجهی با مکان زندگی خویش هم‌ذات‌پنداری داشته باشد و تطابق زیادی بین فرد و مکان وجود داشته باشد حس مکان خلق می‌شود (Relph، ۱۹۷۶). در نتیجه، سکونت حس تعلق خاطر به نقطه‌ای ویژه است که دارای تأثیرات عمیق و پایدار می‌باشد. «معنای سکونت، احساسی، شخصی و نمادین است. به‌همین سبب نمی‌توان آن را در ملاک‌های کمی‌گنجانند. سکونت مفاهیمی چون هویت شخصی و گروهی، درجاتی از خلوت شخصی و خصوصی بودن فضا را دربردارد» (راپاپورت، ۱۳۸۴، ۲۲). به‌عبارتی دیگر حس مکان و تجربه زیستن درفضای مسکونی، شخصیت انسان را تحت‌تأثیر خود قرار می‌دهد و هویت فردی را برمی‌سازد. این هویت شخصی در بستر وجودی خود در سیر زمان به هویت اجتماعی و عمومی بدل می‌شود. فرهنگ نیز که دربردارنده هویت اجتماعی است، متأثر از هویت فردی و درنتیجه متأثر از سکونت است. با مساعدت گرفتن از مکان سکونت یعنی خانه و برخورداری از امکان هویت‌یابی و امنیت، نقطه اتکایی را که برای فعالیت‌های روزانه به آن نیاز داریم، می‌یابیم و با بازنمود ذهنی و خاطراتی را که در تعاملات روزانه گرامی می‌داریم، به کیفیتی درونی تبدیل کرده، از آن متممی برای نفس باطنی خویش می‌سازیم (Bachelard، ۱۹۹۴).

بر این مبنا، یکی از مهم‌ترین وجوه خانه، امکان کسب هویت در خلال زندگی به واسطه فرهنگ‌پذیری از کالبد سکونتی است. چنان‌که شولتز بیان می‌کند: «سکونت را می‌توان بیانگر تعیین موقعیت و احراز هویت نیز دانست» (شولتز، ۱۳۸۱، ۱۰). بنابراین، «خانه جای آسایش و ابزاری برای رویارویی با جهان هستی است» (Pallasmaa، ۱۹۹۲). این مأمنی است نه‌تنها به دور از تمام گزنده‌ها، بلکه به‌دور از تمام وحشت‌ها، تردیدها و نفاق‌ها. جایی که این نباشد، خانه نیست» (بردلی، ۱۳۸۶، ۱۲۵). از دیگر سو، «خانه را نمی‌توان جدا از مجتمع یا بستر آن مورد توجه و مطالعه قرار داد و باید به‌عنوان بخشی از کل نظام اجتماعی و نظام فضایی که خانه و شیوه زندگی، مجتمع زیستی و حتی منظر را دربر می‌گیرد مورد بررسی قرار گیرد (راپاپورت، ۱۳۸۸، ۱۱۳).

افراد در اسکان خودانگیخته در مناطقی ساکن می‌شوند که از نظر حق مالکیت، شرایط زندگی، تراکم، ترکیب خانواده، سطح امنیت و پیشرفت و میزان تغییر، دارای شرایط متنوع و محدودیت‌هایی است. بر این مبنا، به‌نظر می‌رسد که در سکونتگاه‌های مذکور امر سکونت دیگرگونه تجلی‌یافته و تعریف می‌گردد چراکه مالکیت غیررسمی و «فقدان امنیت تصرف» (UN-Habitat، ۲۰۰۳، ۲۰۱۶) نحوه دستیابی به مولفه‌های برساننده مفهوم سکونت همچون محافظت کردن، تعریف کردن مرکزیت عالم و درونی‌گر فضای بیرونی، آرامش و پناه‌دهنده، بیان‌گر هویت شخصی و گروهی، حس تعلق و هویت مکانی، برآورنده فرهنگ و برآورنده نیازهای اجتماعی را تغییر می‌دهد زیرا یکی از مهم‌ترین عوامل دستیابی به مولفه‌های مذکور که توانایی تعریف قلمرو می‌باشد، به شیوه‌ای معمول و رسمی صورت نمی‌پذیرد. برین مبنا حصول به مولفه‌های مذکور باید دیگرگونه صورت پذیرد تا مفهوم سکونت تجلی نماید. بنابراین هدف این مقاله شناخت چگونگی معنا بخشی به سکونت و دستیابی به مولفه‌های تعریف‌گر آن در محیط سکونتگاه‌های خودانگیخته و مفاهیم و مقوله‌های مرتبط با آن در قالب سکونتگاه خودانگیخته مرتضی‌گرد^۲، به‌عنوان سکونتگاهی نسبتاً جدید، است. شکل یک فرآیند این پژوهش را نشان می‌دهد.



شکل ۱. فرآیند پژوهش

معنا بخشی به سکونت، وجه مغفول مطالعات عملی و نظری در محیط سکونتگاه‌های خودانگیخته

باتوجه به گسترش اسکان خودانگیخته در سال‌های اخیر (UN-Habitat, ۲۰۰۳; ۲۰۱۶) و تمرکز بخش مهمی از پیشینه مطالعات مرتبط با شهرسازی به این موضوع، شیوه زندگی، ویژگی‌ها، امکانات، محدودیت‌ها و نحوه مداخله در آن‌ها، موضوع طیفی از مطالعات هم در حوزه عملی و هم در حوزه نظری در داخل و خارج از کشور بوده است (ایراندوست و صرافی، ۱۳۸۶؛ ایراندوست و تولایی، ۱۳۹۱؛ ایراندوست و همکاران ۱۳۹۳؛ بیات، ۱۳۹۰؛ بیات، ۱۳۹۱؛ پرلمن، ۱۳۹۷؛ پیران، ۱۳۶۶؛ ۱۳۷۲؛ ۱۳۷۴؛ ۱۳۷۹؛ حبیبی و همکاران، ۱۳۹۱؛ شیخی، امینی، نظامی، ۱۳۹۴؛ صرافی، ۱۳۸۱؛ ۱۳۸۷؛ مدنی‌پور، ۱۳۸۱؛ AGA KHAN, ۲۰۰۵; Alsayyad, ۱۹۹۳; ۲۰۰۴; Bayat, ۲۰۰۰; ۲۰۰۷; Benjamin, ۲۰۰۸; Davis, ۲۰۰۶; De soto, ۱۹۸۹; ۲۰۰۰; Khalil et al, ۲۰۱۶; Lombard, ۲۰۱۴; Neuwirth, ۲۰۱۰; Owen & Wong, ۲۰۱۳; Perlman, ۲۰۰۴; Roy, ۲۰۰۴; Saaghus, ۲۰۱۶; Simone, ۲۰۰۴) این پژوهش‌ها بیشتر بر تعریف اسکان خودانگیخته، علل و بسترهای پیدایش آن، شیوه زندگی، امکانات و محدودیت‌ها، ویژگی‌ها و مشخصه‌ها، ویژگی‌های کالبدی مسکن و نحوه مداخله در بافت‌های مذکور پرداخته‌اند. دسوتو غیررسمی بودن را یک استراتژی اقتصادی عقلانی و یک «استراتژی بقا» و «یک دریاچه ایمنی برای تنش جامعه» می‌داند که این موضوع با «ابتکار و روحیه کارآفرینی» فقرا به انجام رسیده است (De Soto, ۱۹۸۹, ۲۴۳). آصف بیات استدلال کرده است که افراد غیررسمی خاورمیانه «سیاستی از معترضین نیستند، بلکه خسارت دیده‌اند». به همین ترتیب، دو هدف اصلی دارد: «توزیع مجدد کالاها و فرصت‌های اجتماعی و دستیابی به استقلال فرهنگی و سیاسی» (Bayat, ۲۰۰۰, ۵۴۸). همچنین وی معتقد است که ساکنان این سکونتگاه‌ها افرادی هستند که برای بقا می‌جنگند و گرچه به ظاهر بی‌قدرت هستند لیکن، نمی‌نشینند تا کسی سرنوشت حیات‌شان را رقم بزند، بلکه در تضمین بقای خویش فعال‌اند (بیات، ۱۳۹۱). براین مبنا، در این جوامع، خانواده و پیوندهای خویشاوندی اساساً نیرومند باقی مانده است و به‌ویژه به‌عنوان

شبکه‌ای حمایتی عمل می‌کند و به مهاجران امکان می‌دهد از عهده دشواری‌های مهاجرت و گذار از مراحل گوناگون زندگی برآیند (مدنی‌پور، ۱۳۸۱: ۱۵۱). با بیان آرا روی و الصیاد غیررسمیت شکلی از کردارها و سازمان اجتماعی تعریف می‌شود که با زیست خودانگیخته افراد گره خورده‌است. از این رو، مناسبات اجتماعی، پیوندهای رسمی و غیررسمی، سازوکارهای اقتصادی و تاکتیک‌های گروهی فرودستان نمودی از اتفاق نظر برای بقا و ارتقای کیفیت زندگی است و عاداتی تعریف می‌نماید که شیوه‌هایی پراگماتیستی و انعطاف‌پذیر از برآوردن نیازها هستند (Roy & Alsayyad, ۲۰۰۴). این همان تاکتیک‌هایی است که در کارهای آصف بیات به شکل از آن خودکردن خیابان ذیل اصطلاحات «سیاست‌های خیابانی» و «خیزش آرام» دیده می‌شود (Bayat, ۲۰۰۰; ۲۰۰۷). به تعبیر سیمون (۲۰۰۴)، ویژگی زیست خودانگیخته، پیوندهای انعطاف‌پذیر، سیال و معطوف به تأمین نیازهای ساکنینیست که بدون داشتن تصویری روشن و آشکار از این که چگونه و برطبق چه اصولی باید در شهر زندگی کنند، عمل می‌نمایند. این پیوندها در واقع نقش زیرساخت‌های شهری را دارند که برای تأمین و بازتولید زندگی ضروری‌ست. از این زاویه زیست خودانگیخته شیوه بدیلیست برای نظم شهر؛ روشی متفاوت برای سامان‌دادن به فضا و احقاق حق شهروندی (Roy, ۲۰۱۲، ۱۵). سولومون بنجامین (۲۰۰۸) نیز با وضع مفهوم «شهرگرایی اشغال‌کننده» اشاره به همین سازوکارهای فرودستان در مهیاکردن زیرساخت‌های زندگی شهری از خلال «اندیشه‌ورزی جمعی» و «آشکارسازی مناسبات درون‌گروهی» دارد.

فرودستان در فعالیت‌های بی‌واسطه هرروزه برای سهم‌داشتن در خدمات شهری یا «مصرف جمعی» مبارزه می‌کنند و در محل اقامت و اجتماع با یکدیگر شریک‌اند. بنابراین فضای مشترک و نیازهای مرتبط با دارایی مشترک، به این توده‌ها امکان «همبستگی فضایی» می‌دهد. براین اساس مفهومی از شیوه سکونت که خود را باتوجه به وضعیت فرهنگی ساکنان متجلی ساخته و در چارچوب عادات زیست گروهی در تراز یک خانواده بزرگ جمعی و نیز محدودیت‌های فضایی، برخی از فعالیت‌های مسکونی درونی به خارج از محیط خانه تسری می‌یابد، یا به عبارتی فعالیت‌های خصوصی در فضای عمومی رخ می‌نماید (حبیبی و گرامی، ۱۳۹۷: ۱۷۰). درواقع، منافع مشترک، روابط رودررو و روشن همچون «خانواده‌ای بزرگ» (Coolen & Ozaki, ۲۰۰۴، ۱۲) را سبب گشته و پیوستگی‌های اجتماعی قدرتمندی را با خود به همراه دارد (Roy & AlSayyad, ۲۰۰۴، ۳۸). براین اساس، رابطه مردم با فضای عمومی در سکونتگاه‌های خودانگیخته از جنس مفهوم سکونت است زیرا ویژگی‌های برشمرده برای سکونت در آن‌ها مشاهده می‌گردد و ساکنان علاوه بر خانه خود با فضاهای مذکور نیز این‌همانی دارند، مرزها و قلمروهای خانه برای ساکنان سکونتگاه‌های خودانگیخته متفاوت از قلمرو فضاهای مسکونی در سکونتگاه‌های رسمی است.

بر اساس مطالعات صورت گرفته، در این سکونتگاه‌ها به دلیل وجود سامانه‌های حمایتگر قوی و همبستگی‌های بسیار امنیت بیشتر و رضایتمندی سکونتی بالاتر با وجود امکانات فضایی – کالبدی کمتر نیز مشاهده می‌گردد (شیخی، امینی، نظامی، ۱۳۹۴). ایشان از نظر اجتماعی به خوبی سازمان‌یافته و پیوندهای درونی محکم و پایداری دارند (پرلمن، ۱۳۹۷، ۲۲). با بررسی بسیاری از این سکونتگاه‌ها همچون سکونتگاه‌های خودانگیخته در قاهره مشخص شد سرمایه اجتماعی پویا و مثبت در میان ساکنان وجود دارد (پرلمن، ۱۳۹۷، ۲۳؛ AGA KHAN, ۲۰۰۵). یک زندگی برخوردار از سازمان اجتماعی، فعالیت‌های محلی و روابط دوستانه، می‌تواند محرومیت‌های فیزیکی را جبران نماید (پرلمن، ۱۳۹۷: ۱۲۹). همچنین میزان امنیت در سکونتگاه‌های خودانگیخته بسیار بالا است و ساکنان حس تعلق بسیار زیادی نسبت به محیط زندگی خود دارند (Saaghus, ۲۰۱۶، ۲-۸).

درنتیجه، در زیست خودانگیخته، سکونت به عنوان حصاری برای آزادی، قلمرویی فراتر از مسکن دارد تا آسیب‌پذیری‌های موجود را از طریق همبستگی‌های اجتماعی قوی مبتنی بر مبارزات گروهی، که به نسل‌های بعدی نیز منتقل می‌شود (پرلمن، ۱۳۹۷، ۴۴۶) جبران نماید. قلمرویی که مفاهیم خلوت و پناهگاه، تعلق خاطر و تجربه و خاطره را از رهگذر درهم‌آمیزی فرهنگی در مأمنی که هویت مکانی عمیقی با خود به همراه دارد تحقق می‌بخشد. سکونتی که مفهوم تکیه‌گاه را با امنیت درونی در فضایی وسیع‌تر تجلی بخشیده، به عنوان دریچه ایمنی برای تنش‌های جامعه عمل کرده و ابزاری جهت رویارویی با جهانی است که همواره درصدد حذف برمی‌آید. پژوهش جانپس پرلمن در فاولاهای برزیل نیز نشان می‌دهد که در نگرش و رفتار مردم ساکن در سکونت‌گاه‌های خودانگیخته نه تنها منطق و خردگرایی منحصربه‌فردی دیده می‌شود بلکه، ظرفیت و ارزش‌هایی در آن‌ها وجود دارد که کاستی‌ها، کمبودها و

ناهنجاری‌های کلیشه‌ای را می‌پوشاند و با همکاری متقابل سختی‌های فقر را کاهش می‌دهند (پرلمن، ۱۳۹۷، ۶۶-۶۷). همبستگی‌های اجتماعی، مجال نمود فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی است که ضرورت بقا آن‌ها را ایجاب نموده، مصرف جمعی خدمات و فضاهای جمعی را به همراه دارد و چشم‌انداز آرمانی مشترک نسبت به دنیای بهتر و رویایی‌تر را می‌تواند به ارمغان آورد. ساکنان اعتقاد دارند که زندگی آن چیزیست که ایشان می‌توانند در هرجایی با شادی آن را بسازند؛ در این میان هویت جمعی فضامحور و احساس تعلقی قوی حاصل آمده و تعریفی دگرگونه از محافظت کردن، ماندن، ساختن، مکان بودن و در نهایت سکونت جلوه‌گر می‌شود که در بهره‌وری‌های جمعی از خدمات، امکانات و حتی فضاهای شهری با صراحت و آشکارا نمود می‌یابد؛ زیرا در خانواده (بزرگ) چیزی برای پنهان کردن در راستای اتحاد جمعی، بقاء و اعتماد گروهی و در نهایت ارتقای کیفیت زندگی در جهت سازندگی (حتی در نسل‌های آینده (پرلمن، ۱۳۹۷، ۳۲۷)) وجود ندارد. مکانی که در آن «گرسنگی عاطفی» برطرف شده، عزت نفس، شکوفایی ظرفیت‌های انسانی، حس شخصیت و هویت مشاهده می‌گردد (Roy & AlSayyad، ۲۰۰۴، ۱۲).

باتوجه به مطالب بیان شده که همگی به تعریف اسکان خودانگیخته، علل و بسترهای پیدایش آن، شیوه زندگی، امکانات و محدودیت‌ها، ویژگی‌ها و مشخصه‌ها، نحوه رفتار ساکنان، ویژگی‌های کالبدی مسکن و نحوه مداخله در بافت‌های مذکور پرداخته‌اند و نیز به دلیل شکافی که در حوزه مطالعات نظری و عملی در زمینه چگونگی معنابخشی به سکونت و دستیابی به مولفه‌های تعریف گر آن در محیط سکونتگاه‌های خودانگیخته و مفاهیم و مقوله‌های مرتبط با آن وجود دارد، در این پژوهش به نحوه معنابخشی به سکونت در زمینه سکونتگاه‌های خودانگیخته و شیوه حصول مولفه‌های وابسته به سکونت با هدف بازتعریف مفهوم سکونت در سکونتگاه‌های خودانگیخته از رهگذر پژوهشی کیفی در نمونه موردی مرتضی گرد از دیدگاه ساکنان و از منظر ذهنی و عینی ایشان پرداخته شده است.

روش‌شناسی پژوهش

به پیچیدگی و چندوجهی بودن مفهوم سکونت و تأثیرپذیری آن از چارچوب‌های شناختی، فرهنگی، زمینه‌های اجتماعی و فرآیندهای تعاملی میان ساکنان در هر سکونتگاه تأکید شده است (راپاپورت، ۱۳۶۶؛ ۱۳۸۴؛ ۱۳۸۵؛ شولتز، ۱۳۸۱؛ ۱۳۸۲؛ ۱۳۸۷؛ شار، ۱۳۸۹؛ حائری مازندرانی، ۱۳۸۸؛ Bachelard، ۱۹۹۴؛ Coolen، H.، ۲۰۰۴؛ Ozaki، ۱۹۷۱؛ Heidegger، ۲۰۰۹؛ Meesters، ۱۹۹۶؛ Pallasmaa، ۲۰۱۱؛ Welford، ۲۰۰۸). این موضوع در خصوص چگونگی دستیابی به مولفه‌های مفهوم سکونت و معنابخشی به آن در زمینه سکونتگاه‌های خودانگیخته باتوجه به ویژگی‌های منحصر به فرد آن‌ها اهمیت بیشتری می‌یابد (احمدی و حبیبی، ۱۳۹۸). بنابراین چگونگی دستیابی به مولفه‌های مفهوم سکونت و معنابخشی به آن در محیط سکونتگاه‌های خودانگیخته به عنوان پدیده‌ای که این پژوهش به دنبال مطالعه آن است، پدیده‌ای پیچیده و چندوجهی است که علاوه بر جنبه‌های عینی، تا حد زیادی وابسته به ذهن^۴ ساکنان مختلف است. بنابراین باتوجه به ماهیت پدیده مورد مطالعه و دیدگاه هستی‌شناسانه این پژوهش، واقعیت‌ها ذهنی و چندگانه و همان چیزی هستند که توسط افراد مختلف درک می‌شوند. این پژوهش در دسته پارادایم تفسیرگرایی قرار می‌گیرد چرا که بر خلاف جهت‌گیری ابزاری اثبات‌گرایی، جهت‌گیری آن عملی و معطوف بر این اصل است که افراد چگونه در سکونتگاه‌های خودانگیخته زندگی می‌کنند و در پی آن است که تجربه ساکنان و معنای تجربه آن‌ها را در این زمینه درک کند. رویکرد این مطالعه، کیفی است چرا که بر روی زمینه و فرآیند تأکید می‌کند، زمینه به مفهوم شرایط که موجب ایجاد مشکل، پدیده یا شرایطی می‌شود که مردم با اقدام‌ها و کنش‌های متقابل و احساسات خود به آن‌ها پاسخ می‌دهند و منظور از فرآیند، پاسخ‌های در جریان به مسائل و شرایطی است که از زمینه منتج می‌شود (Corbin & Strauss، ۲۰۰۸، ۵۶).

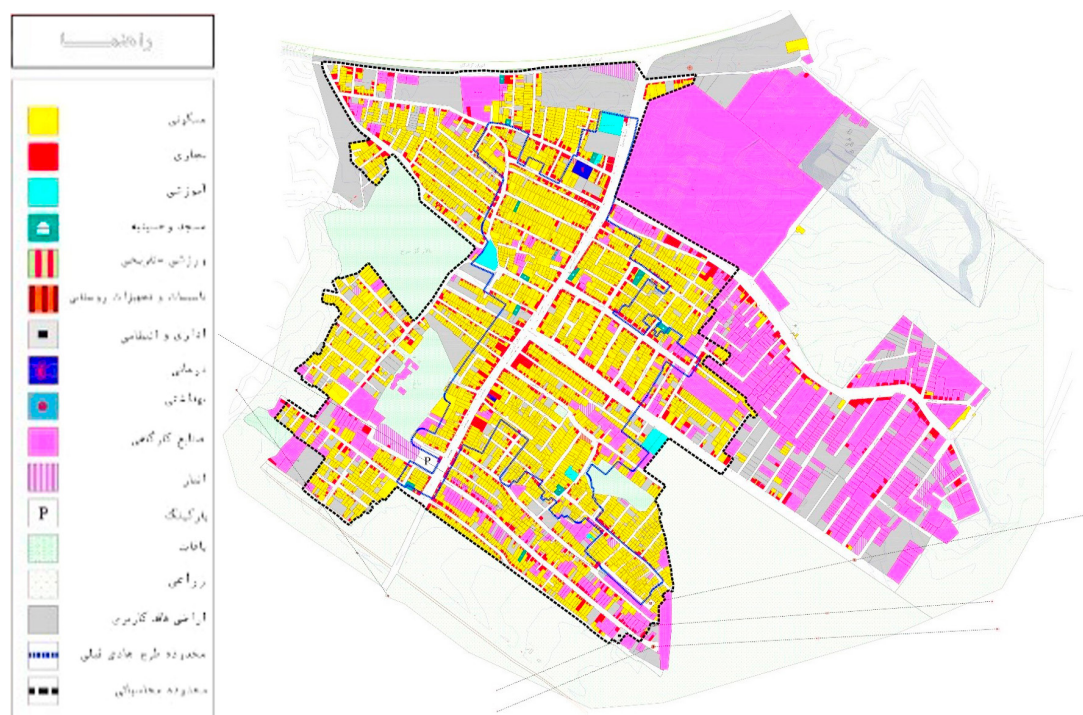
در این پژوهش از روش تحلیل محتوا کیفی استقرایی آشکار به عنوان شیوه پژوهش و به منظور تفسیر داده‌های متنی به دست آمده از مصاحبه و مشاهدات میدانی از طریق فرآیند نظام‌مند کدگذاری و تعیین مفاهیم استفاده شده است (Drisko & Maschi^۵، ۲۰۱۶). در این شیوه، مفاهیم تا چهار سطح انتزاع (طبقات مفهومی) تحلیل شده‌اند. در مرحله گردآوری داده‌ها ۱۸ مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته صورت گرفته است. انتخاب مشارکت‌کنندگان در این پژوهش به صورت هدفمند بوده است. در ابتدا باتوجه به پرسش پژوهش از طریق نمونه‌گیری باز^۶، افرادی که به نوعی زندگی در سکونتگاه خودانگیخته مرتضی گرد را تجربه کرده‌اند و با هدف دستیابی به حداکثر تنوع از نظر

تجربه، به‌عنوان مشارکت‌کننده انتخاب شده‌اند. انتخاب مشارکت‌کنندگان بر اساس نیاز داده‌ها و به منظور توسعه مفاهیم و تا زمان رسیدن به اشیاع ادامه یافته است. انتخاب مشارکت‌کنندگان در گروه‌های سنی و جنسی مختلف (بازه ۱۵ تا ۶۵ سال) و با زمان‌های سکونت متفاوت در بافت (از ۶ ماه تا ۳۰ سال سابقه سکونتی) و در شغل‌های متفاوت صورت پذیرفته است. در فرآیند پژوهش و مصاحبه‌ها با رسیدن به درک تعاملی بودن مفهوم مورد بررسی، به این معنا که برخی از مفاهیم و مؤلفه‌ها در حوزه سکونت در تعامل میان ساکنان با سکونتگاه شکل می‌گیرند و تنها از طریق بررسی ذهنیت و ادراک مشارکت‌کنندگان پژوهش قابل دستیابی نیستند، تهیه یادداشت‌های میدانی از مشاهده‌های مستقیم شیوه سکونت در سکونتگاه خودانگیخته مرتضی گرد، به‌عنوان نمونه پژوهی مورد بررسی، نیز به شیوه‌های جمع‌آوری اطلاعات اضافه شد. پژوهش‌گران در یک بازه زمانی نه‌ماهه به‌عنوان مشاهده‌کننده در فضاهای شهری، عمومی و در برخی از منازل و فضاهای خصوصی حاضر و به ثبت رویدادها و وقایع موجود، زندگی روزمره ساکنان، رفتارها، فعالیت‌ها و گفتارهای ایشان در حین تعامل و گفتگو با یکدیگر در قالب تصاویر و عکس‌برداری و یادداشت‌های توصیفی و بازاندیشانه و شخصی پرداخته‌اند. تلفیق این شیوه با مصاحبه از این جهت اهمیت دارد که می‌تواند منجر به دستیابی به معنای عینی‌تر و دقیق‌تر از تجربه افراد از سکونت و ادراک آن‌ها، از طریق مشاهده رفتار و گفتار ایشان (Schwandt, ۲۰۰۷; University of Southern Californian, ۲۰۱۷) در واقعیت و در تعامل با ساکنان شود. یافته‌های حاصل از مشاهدات نیز همانند مصاحبه‌ها کدگذاری و وارد مرحله تحلیل شده‌اند. در این پژوهش در بخش مدیریت داده‌ها از نرم‌افزار MAXQDA ۲۰۱۸ استفاده شده است.

معرفی اجمالی مرتضی گرد

ازجمله سکونتگاه‌های خودانگیخته ایجادشده در اطراف کلان‌شهر تهران مرتضی گرد است که ازتوابع بخش آفتاب شهرستان تهران می‌باشد و محدوده منطقه ۱۹ بوده و در مسیر بزرگراه آزادگان قرار گرفته است. این سکونتگاه از شمال به اتوبان آزادگان، از غرب به روستای علی‌آبادقاجار، از شرق به روستای خلاریز و از جنوب به اراضی زراعی محدود می‌شود. مرتضی گرد با شهر تهران حدود ۱ کیلومتر فاصله دارد. کل مسیرهای ارتباطی این سکونتگاه با شهرهای اطراف آسفالت است.

تعداد جمعیت سکونتگاه در طی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰ با افزایش زیادی روبرو بوده است. جمعیت سکونتگاه تا سال ۱۳۶۵ فاقد اطلاعات آماری است. در سال ۱۳۶۵ معادل ۱۰۸۷ نفر در قالب ۱۹۹ خانواده بوده و در سال ۱۳۹۵ تعداد جمعیت ۲۲۲۷۳ نفر با ۶۱۰۲ خانوار برآورد شده است. براساس آمار و اطلاعات، سیل مهاجرت به مرتضی گرد از سال ۱۳۸۸ موج شدیدی را تجربه کرده و در سال‌های اخیر از روستایی خوش آب‌وهوا به سکونتگاهی بامسائل و مشکلات متعدد تبدیل شده‌است. زیرا باوجود جمعیت رسمی نزدیک به ۲۳۰۰۰ نفر و غیررسمی ۲۵۰۰۰ نفر، همچنان در تعاریف کشوری، جایگاه و در نتیجه امکانات روستا را به خود اختصاص داده است. مسکن و زمین‌ها در این مکان غالباً فاقد سند و به‌صورت قولنامه‌ای بوده و به‌صورت یک‌شبه تصاحب و ساخته شده‌اند. برین اساس، مسکن بناشده، غالباً غیراستاندارد بوده و در نقشه کیفیت‌ابنیه با عنوان مرمتی از آن‌ها یادشده‌است (مهندسان مشاور آبادگستر تخت سلیمان، ۱۳۹۶).



شکل ۲. نقشه کاربری اراضی مرتضی گرد (طرح هادی روستای مرتضی گرد، ۱۳۹۶)

همچنین کاربری اراضی محدوده مرتضی گرد غالباً مسکونی می‌باشد اما در محور خیابان اصلی به دلیل حضور گسترده کارگاه‌های مرتبط با تولید مبلمان و خدمات وابسته به آن‌ها کاربری تجاری مشاهده می‌گردد (شکل ۲). گرچه در برخی از معابر فرعی نیز کاربری‌های مرتبط با انبار و تولیدات مبلمان وجود دارد که تأثیری دوسویه بر سکونتگاه داشته‌اند؛ از سویی زمینه اشتغال را فراهم کرده‌اند اما از دیگر سو، علاوه بر آلودگی و ناسازگاری‌های فراوانی که ایجاد نموده‌اند، زمینه جذب جمعیت بیشتر به سکونتگاه، خارج از ظرفیت‌های آن، و به‌ویژه جمعیت شناور بسیاری را فراهم نموده‌اند که پیامدهای نامطلوبی به‌ویژه فشارهای افزایش جمعیتی را با خود به همراه داشته‌است.

یافته‌های پژوهش

تحلیل داده‌های پژوهش در زمینه تجربه ساکنان از سکونت در سکونتگاه خودانگیخته مرتضی گرد به‌طور کلی بیانگر یک مفهوم اصلی معنابخشی به سکونت در چارچوب خانواده‌ای بزرگ است. جدول شماره یک مفاهیم مرتبط با معنابخشی به سکونت در چارچوب خانواده‌ای بزرگ در سکونتگاه خودانگیخته مرتضی گرد را نشان می‌دهد. در ادامه نیز تعریف هر یک از این مفاهیم و مصادیق آن‌ها ارائه می‌گردد.

جدول ۱. عوامل مرتبط با معنابخشی به سکونت در چارچوب خانواده‌ای بزرگ در محیط سکونتگاه خودانگیخته مرتضی‌گرد

مفهوم اصلی	مفهوم سطح ۳ (طبقه)	مفهوم سطح ۲ (زیرطبقه)	مفهوم سطح ۱ (کد)
		فرهنگ تلفیقی	آداب و رسوم متفاوت تنوع قومیتی سبک زندگی درآمیخته
		پیوندها و همراهی گروهی/ تعاملات اجتماعی بالا	روابط همسایگی همشهری بودن مناسبات خانوادگی مستحکم مهاجرت فAMILI رضایت از سکونت ارتباطات قومی همدردی گروهی پیوندهای عاطفی
	- سرمایه اجتماعی (محدودکننده و پیونددهنده) - پیشروی آرام با توسل به قدرت و اندیشه‌ورزی جمعی - همبستگی فضایی - احساس تعلق جمعی	نظارت اجتماعی خودانگیخته	چشم‌انظر مادران در خیابان سرایت زندگی جمعی - قومی در فضاهای نیمه عمومی روابط اجتماعی نزدیک ارتباطات قومی و فAMILI دور زدن بازدارنده‌های ساخت‌وساز غیرمجاز راهکارهای خلاقانه فردی و جمعی جهت دستیابی به خدمات و امکانات ابتکار و روحیه کارآفرینی
	سیاست مقاومت و مخالفت/ فرهنگ مذاکره و چانه‌زنی	اعتراضات فردی و جمعی توسل به مکانیزم‌های تطابق در زندگی روزمره مصرف جمعی خدمات بهره‌مندی از پتانسیل قدرت جمعی روش‌های انعطاف‌پذیر برآوردن نیازها	
	این همانی با فضای نیمه‌عمومی نیمه‌خصوصی علاوه بر خانه خود	تسری فعالیت‌های مرتبط با خانه و آشپزخانه به فضاهای نیمه‌عمومی حضور و تعاملات اجتماعی بالا در معابر تلفیق فعالیت‌های ضروری و اجتماعی با الگوی گذران اوقات فراغت امکان مشورت با همسایگان و دوستان در فضای نیمه عمومی	

مفهوم فرهنگ تلفیقی که اولین زیرطبقه (مفهوم سطح دوم) می‌باشد از مفاهیمی با کمترین سطح انتزاع شامل آداب و رسوم متفاوت، تنوع قومیتی و سبک زندگی درآمیخته تشکیل شده و به حضور اقوام مختلف با آداب و رسوم متفاوت که تلاش می‌کنند از رهگذر تعامل و تساهل و در راستای دستیابی به منافع‌شان گام برداشته و با گذشت زمان، شیوه زندگی پیشین خود را با اجتماع جدید پیوند زنند، اشاره دارد. سکونتگاه خودانگیخته مقصد افراد با قومیت و فرهنگ‌های مختلف است که می‌کوشند خود را با شرایط جدید تطبیق داده و از برهم نهاد فرهنگ‌های

مختلف، شیوه زندگی جدید خود را پذیرا شوند و خود را با سکونتگاه و ویژگی‌ها و محدودیت‌های آن هماهنگ نمایند. فرهنگ تلفیقی به‌نوعی نمودار چندصدایی و ارتباط خرده فرهنگ‌ها است. ساکنان در سکونتگاه خودانگیخته به تولید فضای اجتماعی و سوم فرهنگی خود و سپس زیست در آن بر مبنای فرهنگ تلفیقی می‌پردازند که با نیازهای برآمده از سکونت و محدودیت‌های مسکن ایشان هم‌سو بوده و ارتباطی متقابل بین استفاده از فضا و افکار دربرگیرنده تجارب بلادرنگ آن‌ها برقرار می‌سازد. بدین نحو می‌توانند از تجربیات یکدیگر نیز بهره برده و مفهومی از اجتماع را نمود بخشند که به شهروندان حسی از خانه بدهد اما به‌عنوان بخشی از یک زمینه اجتماعی بزرگ‌تر؛ و در غالب فرهنگی تلفیقی که سرنوشت درهم‌بافته ساکنان را متجلی می‌سازد:

با هم سلام علیک داریم و در طی زمان همدیگر را شناختیم و با هم کنار اومدیم. به آن‌ها دختر می‌دهیم، از آن‌ها دختر می‌گیریم، مثلاً این‌جا با لرها وصلت داریم با ترک‌ها وصلت داریم. (IN-R۹)
 اینجا هر کسی تو خودش یه رسمی داره ولی احترام هم هست. (IN-R۱)

مفهوم سطح دوم دیگر، پیوندها و همراهی گروهی و وجود تعاملات اجتماعی بالاست که مبین آن دسته از روابط جمعی است که به ساکنان در راستای غلبه و تحمل سختی‌ها کمک کرده و از رهگذر ارتباط با یکدیگر، خبر داشتن از حال همدیگر و همدردی و یاری به هم‌نوع را سبب گشته و می‌تواند منجر به ایجاد نوعی احساس رضایت از زندگی از طریق تعلقات عاطفی به اجتماع و محل سکونت گردد. مهاجرت فامیلی، ارتباطات قومی و همشهری بودن، مناسبات خانوادگی مستحکم را شدت بخشیده و روابط همسایگی و حس همدردی گروهی ناشی از تجربه، فعالیت‌ها و دشواری‌های مشترک سبب تقویت پیوندهای عاطفی می‌گردد. مفهوم مذکور از هشت کد یا انتزاع پایین‌تر تشکیل شده که در جدول یک بدان‌ها اشاره گشته است:

سعی می‌کنیم با هم همراهی کنیم، بالاخره باید زندگی کرد. بیشتر با اقوام خودمونیم ولی با بقیه هم رفت‌وآمد داریم و مشکلی نداریم. (IN-R۴)

به درد همدیگر می‌رسیم. کمک مالی که نه، چون در توانمان نیست اما کمک کاری اگر داشته باشند به هم کمک می‌کنیم. (IN-R۱۰)

مثلاً من بعد از عید خانه زهرا رفتم و به او گفتم می‌خواهم بروم عروسی و لباس تکراری است یهو تا من از دستشویی بیرون بیایم دیدم کم‌دشواری همه بیرون اومده و هر چی لباس داشته را بیرون آورده یه هم‌چین چیزی در تجریش اتفاق نمی‌افتد برای همین است که ما مردم خود مرتضی گرد را دوست داریم حتا یک لباس هم می‌آورد معرفتش برایم کافی بود، چنین چیزهایی در بالاشر کم اتفاق می‌افتد. (IN-R۴)

حدود سی سال است که اینجا زندگی می‌کنم و قدیمی محسوب می‌شوم و تقریباً از اول ابتدایی اینجا آمدم. قبلاً فقط پدر بزرگم اینجا بودند اما الان تقریباً همه فامیل جمع‌اند، قبلاً مستأجر بودیم در اردبیل، الان اینجا صاحب‌خانه هستیم. بعضی‌ها اینجا را دوست دارند و می‌گویند فامیل‌های من اینجا هستن اینجا را دوست داریم. چون معمولاً فامیل‌ها با هم به اینجا آمدند، وجود فامیل‌ها به لحاظ روحی برای ما خوب است. (IN-R۸)

مفهوم سطح دوم بعدی نظارت اجتماعی خودانگیخته است که از کدهای چشمان ناظر مادران در خیابان، روابط اجتماعی نزدیک، ارتباطات قومی و فامیلی و سرایت زندگی جمعی - قومی در فضاهای نیمه‌عمومی تشکیل شده و برآمده از روابط گسترده قومی، فامیلی، همسایگی، آشنائیت‌ها و کنترل‌های طبیعی حاصل از آن‌ها توسط ساکنان و به‌ویژه زنان و مادران به‌جهت حضور بیشتر در فضاهای عمومی به‌عنوان امتداد فضاهای درونی و تعامل در فضاهای مذکور می‌باشد که می‌تواند به شکل‌گیری چشمان خیابان نیز منجر گردد. ساکنان با به‌کارگیری تمهیداتی تلاش می‌کنند تا کمبود فضا در درون منازل خود را جبران نمایند. این کار غالباً با استفاده از بخشی از فضای عمومی به عنوان امتداد فضای درونی خانه انجام می‌شود که این امر سبب حضور و آشنایی هر چه بیشتر افراد با یکدیگر در فضاهای عمومی شده و نوعی فضای نیمه‌عمومی - نیمه‌خصوصی را ایجاد می‌نماید. حضور مداوم در فضا سبب نظارت خودانگیخته بر آن گشته و از طریق روابط اجتماعی نزدیک، پیام‌ها به سایر افراد نیز می‌رسد:

روابط ما با همسایه‌ها خوب است مثل یک خانواده شده‌ایم. تقریباً همه همدیگر را می‌شناسیم. (IN-R۱۸)
 رفت‌وآمدهای خانوادگی و فامیلی خیلی زیاد است. تقریباً ده دوازده تا روستا است که نزدیک هم بوده‌اند و

آمده‌اند. (IN-R۱۶)

مفهوم سطح دوم دیگر، سیاست مقاومت و مخالفت و فرهنگ مذاکره و چانه‌زنی است که همان‌طور که در

جدول یک بیان شده از هشت کد اولیه تشکیل گشته و بیانگر استراتژی‌هایی است که به ساکنان امکان تسهیل شرایط دشوار پیش‌رو، جبران کمبودها و غلبه بر محدودیت‌های موجود، از رهگذر فرهنگ پایش، مذاکره و چانه‌زنی جهت دستیابی به اهدافشان را می‌دهد. در چنین زیستی، شهروندان به حاشیه‌رانده‌شده فرهنگ مذاکره و چانه‌زنی در راستای دستیابی به ملزومات زندگی از جمله حق دسترسی به زمین، تأسیسات زیربنایی و خدمات را از ابتدا می‌آموزند و انواع روش‌های دور زدن بازدارنده‌های ساخت‌وساز غیرمجاز را جهت دستیابی به سرپناه، به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین نیازهایشان، به‌کار می‌گیرند. ایشان سازوکارهای مختلفی را جهت مهیا کردن زیرساخت‌های زندگی شهری از خلال «اندیشه‌ورزی جمعی» و «آشکارسازی مناسبات درون‌گروهی» به‌کار می‌گیرند و در فعالیت‌های بی‌واسطه هرروزه برای سهم‌داشتن در خدمات شهری یا «مصرف جمعی» مبارزه می‌کنند. بنابراین، ساکنان این سکونت‌گاه‌ها افرادی هستند که برای بقا می‌جنگند و گرچه به‌ظاهر بی‌قدرت هستند لیکن، نمی‌نشینند تا کسی سرنوشت حیات‌شان را رقم بزند، بلکه در تضمین بقای خویش فعال‌اند. به‌طوری‌که توسل به مکانیسم‌های تطابق در زندگی واقعی در میان آن‌ها کاملاً رایج است و تلاش می‌کنند تا از هر فرصتی برای مقاومت و پیشرفت در زندگی خویش بهره‌برند. بسیاری از ساکنان مذکور، بر مبنای فرهنگ جاری در مکان زندگی خود، فرصت پیشرفت را نیز به‌وجود آورده و سیاست مخالفت و مقاومت را سازماندهی می‌نمایند و در آن درگیر می‌شوند:

خیلی سعی می‌کنم ما رو پیچونم، ما هم حواسمون جمه، مثلاً مصالح رو هزار جا قايم می‌کنم. البته اون جاده خاکی رو دیدین که از بغل اتوبان می‌ومد تو مرتضی‌گرد، از اونجا که بیان دیگه ما نمی‌فهمیم. هرچی هم می‌گیم اونجا مأمور بذارید فایده نداشته، یا مثلاً ببندنش، تابلو هم زدیم ورود مصالح ممنوع. با کامیون و وانت که بیان می‌گیریمشون ولی وقتی تو ماشین جاساز کنن ما چی کار کنیم. (IN-R18)

برق ما امامی است و تازه دارند کنتور می‌دهند اینجا همه دزداند. الان بیشتر خانه‌ها با همین لوله‌های آب غیرقانونی گاز کشیده‌اند. (IN-R3)

توی همین خیابون فرحمند جمعه‌بازار هست که معمولاً چیزایی که بخوایم رو از اینجا می‌خریم. هرکی هرچی داره یا تو خونه درست می‌کنه میاره می‌فروشه. (IN-R4)

یک زمان شهرداری اجازه نمی‌داد که بسازند بعد مردم خیلی بی‌شعوربازی درآوردند، کفن پوشیدند و در مرتضی‌گرد دراز کشیدند و به شهرداری گفتند بیا ما را بکش، بذار ما بسازیم که حتی خانه دایی من هم خراب کردند، چرا که بیشتر از سه طبقه نمی‌توانستند بسازند، آنهایی که بیشتر می‌ساختند را با خاک یکسان کردند. مثلاً تیرآهن روی صورت زن دایی من افتاد و از آنجایی که دایی من برای زمین پول داده بود باز هم اصرار بر ساخت و ساز در همین منطقه می‌کرد که قبول نمی‌کردند چون می‌گفتند سند ندارد اما بالاخره هرطور بود ساختن. (IN-R4)

اینجا مردم هرطور شده خودشون رو با شرایط تطبیق می‌دن چون اولاً چاره‌ای ندارن، دوما که اگر بتونن دوام بیارن، براشون سود داره و می‌تونن پول بیشتری جمع کنن. (IN-R11)

و در نهایت، آخرین مفهوم سطح دوم این همانی با فضای نیمه‌عمومی نیمه‌خصوصی علاوه بر خانه خود است که از کدهای اولیه شامل تسری فعالیت‌های مرتبط با خانه و آشپزخانه به فضاهای نیمه‌عمومی، حضور زیاد در معابر، تلفیق فعالیت‌های ضروری و اجتماعی با الگوی گذران اوقات فراغت و امکان مشورت با همسایگان و دوستان در فضای نیمه‌عمومی تشکیل شده که بیانگر روش‌هایی است که از خلال آن‌ها ساکنان و به‌ویژه زنان، تلاش می‌کنند با انجام برخی از فعالیت‌های مرتبط با خانه‌داری، کمبود فضای موجود در خانه را جبران کرده و همچنین با تعامل و ارتباط با یکدیگر، حضور در فضایی دل‌بازتر - فضای نیمه‌عمومی - را تجربه نمایند. براین اساس، فضای مذکور، به‌عنوان امتداد بخشی از فضای خانه قلمداد شده و با گسترش ارتباطات، تنش‌های ناشی از ناملايمات سکونت از رهگذر بیان و همدردی کاهش یافته، همفکری و بازایی راه‌حل‌های جدیدی نیز انجام می‌گیرد. بر همین اساس است که شیوه سکونت و فرهنگ زیستی ساکنان سکونت‌گاه‌های خودانگیخته با شیوه سکونت در سایر سکونت‌گاه‌ها متفاوت است. همین امر سبب می‌شود نحوه استفاده از فضا به گونه‌ای دیگر شکل گیرد. چرا که در سکونت‌گاه‌های خودانگیخته به دلیل محدودیت‌های متعدد همچون ویژگی‌های کالبدی خانه، مانند مساحت کم، و همچنین آسیب‌پذیری در برابر نیروهای بیرونی، مفهوم سکونت از ویژگی درونی بودن خود برخوردار نیست و به فضای نیمه‌عمومی - نیمه‌خصوصی نیز تسری پیدا کرده است:

خانم‌ها بعضی وقتا با هم کار گروهی هم می‌کنن، شاید خانم‌ها روابطشان با هم نزدیک‌تر است. مثلاً همین

کوچه بغل یک لباس فروشی زنانه است که ۱۰ ۱۵ تا خانم آنجا جمع می‌شوند و صحبت و کار می‌کنند. خیلی‌ها هم کار در خانه می‌آورند. بسته‌بندی، منگنه کردن، بعضی‌ها اگر مجبور باشند به جایی می‌روند. (IN-R۱۱)

پس از دستیابی به مفاهیم سطح ۲، با حرکت سیال ذهن و فارغ از قید و بند، مفاهیم سطح سوم که شامل سرمایه اجتماعی (محدود کننده و پیوند دهنده)، پیشروی آرام با توسل به قدرت و اندیشه‌ورزی جمعی، همبستگی فضایی و احساس تعلق جمعی در سطحی بالاتر از انتزاع نمودار می‌گردند و معنابخشی به سکونت در چارچوب خانواده‌ای بزرگ شکل می‌گیرد.

در واقع، سرمایه اجتماعی بیانگر مفاهیمی است که ساکنان از رهگذر آن‌ها در راستای بهینه‌سازی شرایط زندگی خود و جبران کمبودها و سرمایه اقتصادی موجود تلاش کرده و نوعی پیشروی آرام با توسل به قدرت و اندیشه‌ورزی جمعی نیز فراهم می‌آورد که مهم‌ترین منشأ آن همبستگی فضایی مبتنی بر سکونتگاه می‌باشد. ساکنان تلاش می‌کنند در راستای غلبه بر موانع، پس‌زدگی‌های جامعه بزرگ‌تر، راه دشوار پیش‌رو و جبران کاستی‌های موجود، در چارچوب خانواده‌ای بزرگ، مفهوم سکونت را از رهگذر اتحاد خود و حس حمایت مقاومتی تجلی بخشیده، مقاومت و همبستگی عمومی با هدف بقا را بازتولید نمایند. به دیگر بیان، به دلیل موانع و مشکلات موجود و به‌ویژه فقدان آرامش روانی خانه، که از مهم‌ترین فاکتورهای آن در فرهنگ ایرانی امنیت تصرف و مالکیت رسمی به مفهوم چهاردیواری اختیاری است، و در راستای جبران این کمبود، زندگی در چارچوب خانواده‌ای بزرگ رخساره نموده، هویت و قدرت جمعی را سبب می‌گردد. این موضوع گونه‌ای از مبارزه سکونتی است که به جای آرامش متداول خانه، مخالفت، مقاومت و تکاپوی مداوم را با خود به‌همراه دارد و در واقع مفهومی متناقض از سکونت را در ذهن ساکنان متبلور می‌سازد: ایجاد آرامش از طریق تکاپوی مداوم به‌جای سکون و سکوت و معنابخشی به سکونت (زندگی) در چارچوب خانواده‌ای بزرگ و احساس تعلق جمعی که مقاومت و همبستگی جمعی با هدف بقا را نمود بخشیده و آرامش خانه و سکونت را از طریق پیوند و زندگی در خانواده‌ای بزرگ و وجود سامانه‌های حمایتی قوی فراهم می‌نماید. بنابراین، به دلیل انبوه مشکلات پیش‌رو به‌عنوان عوامل زمینه‌ای، از جمله فقدان امنیت تصرف، فقدان اشتغال پایدار، ناکارایی کمی - کیفی زیرساخت‌های شهری و از همه مهم‌تر به رسمیت نشناختن سکونتگاه توسط حکومت، استراتژی‌های همبستگی و همراهی گروهی - فضایی، هویت و پیوندهای جمعی جهت پیگیری و دستیابی مطالبات، سیاست مقاومت و مخالفت و پیشروی آرام با توسل به قدرت و اندیشه‌ورزی جمعی و به بیانی کامل‌تر معنابخشی به سکونت در چارچوب خانواده‌ای بزرگ در دستور کار قرار می‌گیرد.

بحث و نتیجه‌گیری

درک از مفهوم سکونت، از منظر ساکنان در محیط سکونتگاه‌های خودانگیخته با درک متداول این مفهوم در قلمرو سکونتگاه‌های رسمی متفاوت است. این موضوع از تفاوت‌های هستی‌شناسانه و شناخت‌شناسانه که معانی و مفاهیم مرتبط با سکونت را در زمینه تعدیل و هدایت می‌کند و آن‌ها را به چالش می‌کشد، ناشی می‌شود. بنابراین در این پژوهش تلاش شده است با تکیه بر تفسیر داده‌های متنی مصاحبه‌های عمیق و نیز مشاهده‌های میدانی و با تأکید بر کنش و تعامل با مورد پژوهش و حداقل جدایی عینی با ساکنان و مشارکت‌کنندگان پژوهش، تصویری از ادراک ساکنان نسبت به مفهوم سکونت در محیط سکونتگاه خودانگیخته مرتضی کرد، به‌عنوان نمونه مورد بررسی، ترسیم شود.

بر اساس آنچه بیان شد می‌توان گفت پژوهش‌های مرتبط با سکونتگاه‌های خودانگیخته، عموماً معطوف به توضیح و بیان مشکلات و معضلات این سکونتگاه‌ها بوده و به ریشه‌یابی مفهوم سکونت، چگونگی معنابخشی و مفاهیم مرتبط با آن نپرداخته‌اند. به بیانی دیگر در سکونتگاه‌های خودانگیخته غالب توجه پژوهش‌ها معطوف به ابعاد کالبدی به‌ویژه در زمینه مسکن و سکونت بوده و ابعاد ذهنی و معنای سکونت در آن‌ها مغفول مانده و در واقع می‌توان گفت بدون در نظر گرفتن مفهوم اصلی حاکم بر زندگی در این سکونتگاه‌ها که همان مفهوم سکونت است، به بیان مسائل و ارائه راهکار برای حل مشکلات آن‌ها پرداخته شده است. این در حالی است که بعضاً در برخی پژوهش‌ها به مفاهیمی چون حس تعلق، امنیت، سرمایه اجتماعی و ... اشاره شده که از مهم‌ترین مولفه‌های مفهوم سکونت است اما به طور کلی هیچ کدام از پژوهش‌ها دربرگیرنده مفهوم سکونت، به‌طور جامع، و چگونگی معنابخشی به آن نمی‌باشند. در حالی که در این پژوهش تفسیر ادراک ساکنان، معنابخشی به سکونت در چارچوب خانواده‌ای بزرگ

را مطرح می‌کند. مفهومی که بیشتر بیانگر چگونگی و نحوه دستیابی به مولفه‌های معرف سکونت در مفهوم عام از جمله، آرامش، سکنی، ساخت، پروراندن و سایر مفاهیمی است که در مقدمه به آن‌ها اشاره شده، می‌باشد. در واقع در غیاب مالکیت رسمی و امنیت تصرف، که از مهم‌ترین عوامل تحقق مولفه‌های معرف مفهوم سکونت هستند، و در شرایط وجود انواع آسیب‌پذیری‌ها، سکنی و آرامش مورد تقاضا تنها از رهگذر زندگی در چارچوب خانواده‌ای بزرگ و سامانه‌های حمایتگر قوی موجود در آن برآورده شده و دستیابی به مولفه‌های مفهوم سکونت را فراهم می‌گرداند. هرچند به برخی از مولفه‌های نمایانگر مفهوم سکونت در مطالعه‌های پیشین اشاره شده، لیکن در این پژوهش معانی آن‌ها از دیدگاه ساکنان به عنوان مشارکت‌کنندگان پژوهش تدقیق گشته است. زندگی در چارچوب خانواده‌ای بزرگ مبتنی بر سرمایه‌های اجتماعی بالا، احساس تعلق جمعی، همبستگی فضایی و پیشروی آرام با توسل به قدرت و اندیشه‌ورزی جمعی و مفاهیم مرتبط با هریک، که ساکنان از روش‌های مختلف جهت دستیابی به آن‌ها به عنوان استراتژی‌های بقای خویش تکاپویی مداوم دارند، مفاهیمی هستند که به بسیاری از آن‌ها پیش از این اشاره نشده است.

در نتیجه، سکونت با مؤلفه‌هایی همچون آرامش، سکنی، ساختن، آزادی، پروراندن و محافظت کردن تعریف می‌شود و مکان سکونت با خود احساس تعلق و هویت مکانی را به همراه داشته و صندوقچه خاطرات و مرکز عالم ساکنان آن است که نه تنها تجلی‌گاه فرهنگ ایشان می‌باشد بلکه، ساکنان تلاش می‌کنند تا تجسد آرمان‌ها و آرزوهای خود را در آن متجلی سازند، همچنین به عنوان مکان برآورنده نیازهای اجتماعی نیز از آن یاد می‌گردد. لیکن، این مفهوم در سکونتگاه‌های خودانگیخته دیگرگونه برآورده می‌شوند. ساکنان سکونتگاه‌های خودانگیخته اکثراً در جستجوی شرایط زندگی بهتر، به‌ویژه اقتصادی، و در جستجوی شغل و امکانات زندگی، خانه خود را رها کرده و به سکونتگاه خودانگیخته که غالباً پیش از این اقوام آن‌ها نیز بدان جا آمده‌اند، مهاجرت می‌کنند و سکونتگاه غیررسمی شکل می‌گیرد. مهم‌ترین هدف ایشان در این مرحله دستیابی به سرپناه و اشتغال است. در مرحله بعد، با فقدان امنیت تصرف و امکانات و خدمات سکونتی مواجه می‌گردند که تلاش می‌کنند تا نارسایی‌ها و آسیب‌پذیری‌های موجود را از رهگذر زندگی در چارچوب خانواده‌ای بزرگ‌تر جبران نمایند و مطالبات خود را با پیشروی آرام و با توسل به قدرت و اندیشه‌ورزی جمعی پیگیری نمایند. براین اساس همبستگی فضایی و به تبع آن سرمایه اجتماعی گروهی شکل می‌گیرد. فرهنگ تلفیقی از رهگذر تعامل هرروزه افراد با یکدیگر و به عنوان راهکار جمعی سازش فرهنگ‌های متنوع و گاه متضاد، متجلی شده و نظام‌های معنایی مشترک ساکنان را شکل می‌دهد که در هر لحظه یادآور سرنوشت درهم بافته ایشان بوده و اتحاد، پیوندها و همراهی گروهی ساکنان را نشان می‌دهد. در این مرحله به دلیل تعاملات اجتماعی بالا و حضور گسترده افراد در فضاهای شهری و مسئولیت اجتماعی ساکنان مبتنی بر تعهد عضویت در سکونتگاه، نظارت اجتماعی خودانگیخته شکل گرفته و امنیت درونی مناسبی مشاهده می‌گردد. ساکنان علاوه بر خانه خود با فضاهای نیمه‌عمومی - نیمه‌خصوصی موجود در سکونتگاه نیز این‌همانی دارند که این موضوع یا به علت جبران فضای ناکافی موجود در مساکن و استفاده از فضاهای عمومی به عنوان امتداد خانه است - برخی از ساکنان از فضای خانه جهت انجام کارهای خانگی نیز بهره می‌برند و خانه برای ایشان نه تنها با آرامش دوری از اشتغال و کار تعریف نشده بلکه راحتی به نوعی آرامش روانی در پرتو اشتغال و پایداری اقتصادی است - و یا به دلیل حضور گسترده در فضاهای عمومی و تعاملات اجتماعی بالا در سکونتگاه‌های مذکور از رهگذر مشورت با یکدیگر در امور مختلف، اطلاع‌رسانی‌های فراگیر به یکدیگر و ارتباطات گسترده فامیلی و قومی است. همچنین علی‌رغم ناکارایی کمی و کیفی زیرساخت‌های شهری، ناپایداری‌های کالبدی و فقدان اشتغال پایدار، سامانه‌های حمایتگر قوی میان ساکنان وجود داشته و تکوین پیوندهای اجتماعی و حضور در شبکه‌های اجتماعی در مکانی معین باعث پدیداری روح جمعی شده و همین امر نوعی حس تعلق به مکان و سرمایه اجتماعی را فراهم می‌آورد و از آنجا که در سکونت‌گاه‌های خودانگیخته، حضور افراد در فضاهای عمومی به صورت مستمر یا مداوم صورت می‌گیرد، روحیه‌ی جمعی میان آنان بیشتر است.

بنابراین، ساکنان در تضمین بقای خویش فعال‌اند تا بتوانند بر ناملایمات فائق آیند و اعتقاد دارند که زندگی آن چیزیست که ایشان می‌توانند در هرجایی با شادی آن را بسازند؛ در این میان همبستگی فضایی و احساس تعلق جمعی قوی حاصل آمده و تعریفی دگرگونه از محافظت کردن، ماندن، ساختن، مکان بودن و در نهایت سکونت جلوه‌گر می‌شود که در بهره‌وری‌های جمعی از خدمات، امکانات و حتی فضاهای شهری با صراحت و آشکارا نمود

می‌یابد؛ زیرا در خانواده (بزرگ) چیزی برای پنهان کردن در راستای اتحاد جمعی، بقاء و اعتماد گروهی و در نهایت ارتقای کیفیت زندگی در جهت سازندگی وجود ندارد. مکانی که در آن «گرسنگی عاطفی» برطرف شده، عزت نفس، شکوفایی ظرفیت‌های انسانی، حس شخصیت و هویت مشاهده گشته و فقدان «امنیت تصرف» و آسیب‌پذیری‌های ناشی از آن که در مالکیت غیررسمی نمود می‌یابد، از طریق پیوندهای گروهی جبران می‌گردد.

در نهایت می‌توان گفت که سکونتگاه‌های خودانگیخته پدیده‌های پیچیده‌ای هستند که توجه به هم‌صدایی فرهنگ‌های متنوع و متضاد، بازتاب‌پذیری و تفکر انتقادی در برنامه‌ریزی و طراحی آن‌ها با توجه به تنوع فرهنگی ساکنان وارد شده به آن‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار است چرا که فرهنگ عنصر غالب و تعریف‌کننده فضا به‌شمار آمده و شناسایی گروه‌های چندگانه اجتماعی نیاز به آگاهی چندفرهنگی و نوع جدیدی از سیاست‌های دموکراتیک برای برنامه‌ریزی دارد که باید بیشتر مردم‌محور، با تکیه بر خرد عملی و کسب دانش مناسب از طریق روایت‌ها و اشکال گوناگون دیداری باشد؛ فرهنگی که احساس بینابینی را برای ساکنان به همراه داشته و حاصل پیوند جامعه مبدأ و مقصد بوده و علاوه بر جنبه‌های عینی و کالبدی، بر جنبه‌های ذهنی و ادراکی ساکنان نیز تأکید نماید. نتایج این پژوهش همچنین بیانگر آن است که مفهوم سکونت و نحوه دستیابی به مولفه‌های آن در جوامع و فرهنگ‌های مختلف متفاوت است. بنابراین، شناخت چگونگی تجلی مفهوم سکونت و معنابخشی به آن از طریق به‌کارگیری نظریه زمینه‌ای، می‌تواند موضوعی برای پژوهش‌های آتی باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. Objective Separateness

2. Manifest Inductive Qualitative Content Analysis

۳. دلیل انتخاب سکونتگاه خودانگیخته مرتضی گرد به‌عنوان مورد پژوهش، کم‌بودن و در مواردی فقدان پژوهش انجام شده بر روی مورد مذکور به علت شکل‌گیری جدید و به‌طور مشخص از سال ۱۳۸۸ به بعد و در نتیجه دستیابی به داده‌های بدیع‌تر و بالا بردن وجه بداعت پژوهش و همچنین، انطباق با معیارهای معرف سکونتگاه‌های خودانگیخته است. برای آشنایی با معیارهای مذکور رجوع کنید به:

احمدی، سارا، حبیبی، میترا (۱۳۹۸)، بازشناسی مفهوم سکونت در سکونتگاه‌های خودانگیخته مبتنی بر تجارب جهانی، فصلنامه صفا، شماره ۸۷، ۵۹-۸۴.

لازم به ذکر است که پیش از انتخاب مرتضی گرد، چندین سکونتگاه خودانگیخته به صورت اولیه مطالعه شده و با توجه به دو فاکتور بداعت در انتخاب مورد پژوهش و پرهیز از بررسی مواردی که مکرراً به آن‌ها پرداخته شده، و انطباق با معیارهای معرف سکونتگاه‌های خودانگیخته، که در مطالعات پایه و در مبانی نظری و پیشینه بررسی شده شناسایی گشته‌اند، مرتضی گرد انتخاب گردید.

۴. با توجه به اینکه بخش مهمی از چگونگی و نحوه دستیابی به مولفه‌های مفهوم سکونت و معنابخشی آن در سکونتگاه‌های خودانگیخته، کاملاً وابسته به ذهنیت ساکنان است، مناسب‌ترین شیوه برای تحقق هدف پژوهش بررسی تجربه ساکنان و معانی تجربه ایشان از سکونت در محیط‌های مذکور می‌باشد.

5. Manifest Inductive Qualitative Content Analysis

۶. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به:

Drisko, J. W., Maschi, T. (2016), Content Analysis. Oxford University Press: New York.

فهرست منابع

فارسی

— آرنه، هانا (۱۳۹۵) *انسان‌ها در عصر ظلمت*، ترجمه مهدی خلجی، توانا، تهران.

- احمدی، سارا و حبیبی، میترا (۱۳۹۸) «بازشناسی مفهوم سکونت در سکونتگاه‌های خودانگیخته مبتنی بر تجارب جهانی»، نشریه صغه، شماره ۸۷، صص. ۵۹-۸۴.
- ایراندوست، کیومرث و صراف، مظفر (۱۳۸۶) «یاس و امید در سکونتگاه‌های غیررسمی نمونه موردی: شهر کرمانشاه»، نشریه رفاه اجتماعی، شماره ۲۶، صص. ۲۰۱-۲۲۵.
- ایراندوست، کیومرث تولایی، روح‌الله (۱۳۹۱) «الگوی مسکن فقرا در سکونتگاه‌های غیررسمی نمونه موردی: عباس‌آباد سنندج»، نشریه ساخت شهر، شماره ۲۰، صص. ۳۷-۵۳.
- ایراندوست، کیومرث، اعظمی، محمد و تولایی، روح‌الله (۱۳۹۳) «شاخص‌های تعریف و تعیین سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران»، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، شماره ۲۱، صص. ۴۳-۶۰.
- بردلی، هریث (۱۳۸۶) دگرگونی ساختارهای اجتماعی: طبقه و جنسیت، ترجمه محمود متحد، آگه، تهران.
- بیات، آصف (۱۳۹۰) زندگی همچون سیاست، ترجمه فاطمه صادقی، کتابخانه الکترونیکی امین.
- بیات، آصف (۱۳۹۱) سیاست‌های خیابانی، ترجمه سید اسدالله نبوی‌چاشمی، پردیس دانش، تهران.
- پرلمن، جاننيس (۱۳۹۷) فاولا چهاردهه زندگی بیمناک در سکونتگاه‌های ریودوژانیرو، ترجمه کیومرث ایراندوست و گلايول مکرونی، انتشارات دانشگاه کردستان، کردستان.
- پیران، پرویز (۱۳۶۶) «شهرنشینی شتابان و ناهمگون: مسکن نابهنجار»، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۵، صص. ۵۴-۵۶.
- پیران، پرویز (۱۳۷۲) طرح ساماندهی تپه مردآباد کرج (زورآباد)، انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- پیران، پرویز (۱۳۷۴) «آلونک‌نشینی در ایران، ماهنامه سیاسی-اقتصادی»، شماره ۹۵ و ۹۶، صص. ۱۲۹-۱۲۹.
- پیران، پرویز (۱۳۷۹) فقرزایی در سکونت‌گاه‌های غیررسمی شیرآباد زاهدان، برنامه عمران ملل متحد.
- حائری‌مازندرانی، محمدرضا (۱۳۸۸)، خانه، فرهنگ، طبیعت، انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران.
- حبیبی، محسن، پورمحمدرضا، نوید، عرفانی، جواد و حمیده، سارا (۱۳۹۱) «مقایسه تطبیقی شکل‌گیری و تکوین فضاهای عمومی در شهرهای حومه‌ای جنوب تهران (مطالعه موردی: ورامین، قرچک، اسلام‌شهر)»، نشریه صغه، شماره ۵۶، صص. ۱۰۱-۱۱۹.
- حبیبی، میترا و گرامی، نیلوفر (۱۳۹۷) «چگونگی استفاده از فضاهای شهری در سکونت‌گاه‌های غیررسمی موردپژوهی: جداره شرقی بزرگراه چمران تهران»، نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، شماره ۳۲، صص. ۱۶۳-۱۷۴.
- راپاپورت، آموس (۱۳۶۶) منشأ فرهنگی مجتمع‌های زیستی، ترجمه راضیه رضازاده، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت، تهران.
- راپاپورت، آموس (۱۳۸۴) معنی محیط ساخته‌شده: رویکردی در ارتباط غیرکلامی، ترجمه فرح حبیب، انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران.
- راپاپورت، آموس (۱۳۸۵) خاستگاه فرهنگی معماری، ترجمه صدف آل رسول، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.
- راپاپورت، آموس (۱۳۸۸) انسان‌شناسی مسکن، ترجمه خسرو افضلیان، انتشارات حرفه هنرمند، تهران.
- شار، ادم (۱۳۸۹) کلبه هایلگر، ترجمه ایرج قانونی، نشر ثالث، تهران.
- شولتز، نوربرگ (۱۳۸۱) مفهوم سکونت: به سوی معماری تمثیلی، ترجمه محمودامیر یاراحمدی. نشر آگه، تهران.
- شولتز، نوربرگ (۱۳۸۲) گزینه‌ای از معماری: معنا و مکان، ترجمه ویدا نوروزبرازجانی، انتشارات جان و جهان، تهران.
- شولتز، نوربرگ (۱۳۸۷) معماری: حضور، زبان و مکان، ترجمه علیرضا سیداحمدیان، انتشارات نیلوفر، تهران.
- شیخی، محمد، امینی، سعیده و نظامی، آناهیتا (۱۳۹۴) «مطالعه تطبیقی حس تعلق مکانی در سکونت‌گاه‌های رسمی و غیررسمی مورد مطالعه: شهر جدید پرند و نسیم‌شهر»، نشریه علوم اجتماعی، شماره ۶۹، صص. ۴۵-۷۴.
- صراف، مظفر (۱۳۸۱) «به‌سوی نظریه‌ای برای ساماندهی اسکان غیررسمی از حاشیه‌نشینی تا متن شهرنشینی»، نشریه

هفت شهر، شماره ۸، صص. ۵-۱۱.

- صرافی، مظفر (۱۳۸۷) «ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی کشور در پرتو حکمروایی خوب شهری»، نشریه هفت شهر، شماره ۲۳ و ۲۴، صص. ۴-۱۴.
- مدنی‌پور، علی (۱۳۸۱) تهران: ظهور یک کلانشهر، انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران.
- مهندسان مشاور آباد گستر تخت‌سلیمان (۱۳۹۶)، بازنگری طرح هادی روستای مرتضی‌گرد، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.

انگلیسی

- AGA KHAN (2005) *AL - Azhar Park. Cairo and the Revitalization of Darbal-Ahmar*. Project brief.
- Alsayyad, Nazar (1993) "Squatting and Culture: A Comparative Analysis of Informal Developments in Latin America and the Middle East", *Journal of Habitat International*, No. 17, pp. 33-44.
- Alsayyad, Nazar (2004) *Urban Informality as a "New" Way of Life*, Lexington Books.
- Bachelard, Gaston. (1994) *The Poetics of Space*, Beacon Press, Boston.
- Bayat, Asef (2000) "From Dangerous Classes to Quiet Rebels: Politics of the Urban Subaltern in the Global South", *Journal of International Sociology*, Vol. 15, No. 3, pp. 539- 560.
- Bayat, Asef (2007) "Radical Religion and the Habitus of the Dispossessed: Does Islamic Militancy Have an Urban Ecology", *International Journal of Urban and Regional Research*, Vol. 3, No. 31, pp. 579-590.
- Benjamin, Solomon (2008) "Occupancy Urbanism: Radicalizing Politics and Economy Beyond Policy and Programs", *International Journal of Urban and Regional Research*, Vol. 3, No. 31, pp. 719-729.
- Coolen, Henny & Ozaki, Ritsuko (2004) *Culture, Lifestyle and the Meaning of a Dwelling*, Delft University of Technology, Netherlands.
- Corbin, Juliet & Strauss, Anselm (2008) *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*, Sage Publication, California.
- Davis, Mike (2006) *Planet of Slums*, Verso, New York.
- De soto, Hernando (1989) *The Other Path: The Invisible Revolution in the Third World*, Harper & Row, New York.
- De Soto, Hernando (2000) *The Mystery of Capital: Why Capitalism Triumphs in the West and Fails Everywhere Else*, Basic Books, New York.
- Drisko, James & Maschi, Tina (2016) *Content Analysis*, Oxford University Press, New York.
- Heidegger, Martin. (1971) *Poetry, Language, Thought*, Trans. Albert Hofstadter, Harper & Row, New York.
- Khalil, Ahmed & El-Aal, Amr & Quintero, Natacha & Aayash, Hazem & El-Wahab, Mohamed & Ibrahim, Mohamed & Marei, Kamal (2016) "Improving Living Conditions in Informal Settlements. The case of El-Arab, Hurghada", *Journal of Environmental sciences*, No. 34, pp. 13- 24.
- Lombard, Melanie (2014) "Constructing ordinary places: Place-making in urban informal settlements in Mexico", *Progress in Planning Journal*, No. 94, pp. 1-53.
- Meesters, Janine (2009) *The meaning of activities in the dwelling and residential environment*, IOS Press under the imprint Delft University Press, Netherlands.
- Neuwirth, Robert (2010) *Shadow Cities; A Billion Squatters, a New Urban World*, Routledge.

New York.

- Owen, Karen & Wong, David (2013) "An approach to differentiate informal settlements using spectral, texture, geomorphology and road accessibility metrics", *Journal of Applied Geography*, No. 38, pp. 107–118.
- Pallasmaa, Juhani (1992) »Identity, Intimacy and Domicile: Notes on the phenomenology of home«, Symposium at the University of Trondheim, Norway.
- Pallasmaa, Juhani (1996) *The eyes of the skin: Architecture and the senses*, Wiley Academy, England.
- Pallasmaa, Juhani (2011) »Space, Place and Atmosphere: Peripheral Perception in Existential Experience«, Ghost 13 International Architecture Conference, Nova Scotia, Canada.
- Perlman, Janice E. (2004) *Marginality: From Myth to Reality in the Favelas of Rio de Janeiro*, Oxford University Press, United Kingdom.
- Relph, Edward (1976) *On the Identity of Places. Place and Placelessness*, Pion, London.
- Roy, Ananya & AlSayyad, Nazar (2004) *Urban Informality: Transnational Perspectives from the Middle East, Latin America, and South Asia*, Lexington Books, Lanham MD.
- Roy, Ananya (2012) *Urban Informality: The Production of Space and Practice of Planning*, Oxford University Press, United Kingdom.
- Saaghus, Andreas (2016) *From Flooding to Formalization: A Case Study of the Informal Settlement of Green Park, Cape Town Master Thesis in Human Geography Department of Sociology and Human Geography*, University of Oslo, Norway.
- Schwandt, Thomas (2007) *Analyzing Qualitative Data, The Sage Dictionary of Qualitative Inquiry*, Sage Publication, New York.
- Simone, AbdouMaliq (2004) "People as Infrastructure: Intersecting Fragments in Johannesburg", *Journal of Public Culture*, Vol. 3, No.16, pp. 407– 29.
- UN- HABITAT (2003) *The Challenge of Slums – Global Report on Human Settlements*, London & Sterling: UN-HABITAT – Earthscan Publications Ltd.
- UN- HABITAT (2016) *HABITAT in – Informal Settlements. Global Report on Human Settlements*, London & Sterling: UN-HABITAT – Earthscan Publications Ltd.
- University of Southern California (2017) *Organizing Your Social Sciences Research Paper. Writing Field Notes*.
- Wolford, Rebecca (2008) *Wandering in Dwelling: A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of PhD In Architectural Theory*, Washington State University.

To Give Meaning to Dwelling in the form of a Large Family: A Qualitative Research in Informal Settlements (Case Study: Mortezaگرد)

Sara Ahmadi¹

Mitra Habibi²

Received Date: 21 May 2023

Accepted Date: 09 September 2023

Abstract

The concept of dwelling is complex and dynamic. Therefore, the existing theories and views on the concept of dwelling, often presented in formal housing conditions and structures, do not have the necessary effect in other settlements. Based on the subjective and interactive nature of the concept of dwelling, its experience and perception among different residents can be different from conventional and universal theoretical perspectives in the field of dwelling, which are often expressed in the context of formal housing. Therefore, given the expansion of informal settlements and the importance of studying them accurately, as a basis for any action, can be contemplative. The purpose of this study is to understand dwelling's perception and experience of dwelling and how to conceptualize and conceptualize it in the context of informal settlements and its related concepts by investigating the case study of Mortezaگرد. Because any action in the field of informal settlements requires not only an understanding of the physical aspects of the settlement, it also requires conditions that are not purely objective and require its discovery to understand the meaning of dwelling from the perspective of its inhabitants. This research falls under the paradigm of interpretivism, and from the cognitive point of view, it emphasizes the researcher's interaction with the research subject and the least objective separateness with the research participants. This study uses manifest inductive qualitative content analysis as a research method to interpret contextual data obtained from in-depth semi-structured interviews and field observations. The data were analyzed through a systematic coding process with the aim of classifying the concepts into four levels of abstraction. The selection of participants in this study was purposeful and aimed at developing concepts to achieve saturation. The findings of this study indicate that in the absence of formal ownership and security of tenure, which are the most important factors in

1. Ph.D. Urban Planning, Department of Architecture and Urban Planning, Faculty of Urban Planning, Art University, Tehran, Iran.

E-mail: sara.ahmadi84@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Architecture and Urban Planning, Faculty of Urban Planning, Art University, Tehran, Iran.

E-mail: habibi@art.ac.ir

the realization of the components of the concept of dwelling, and in the context of a variety of vulnerabilities, solitary confinement and demanding solely through the life of a large family and strong support systems based on high social capital, the feeling Cohesion, spatial solidarity, and slow progress are met with the use of power and collective thoughtfulness, and the concepts associated with each that residents pursue in various ways as their survival strategies.

Keywords: Concept of dwelling, Content analysis, Informal settlement, Large family, Mortezağerd